رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۱، شماره پیاپی ۷۰، فروردین ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(1), 2022

نقش خانواده‌های زوجین در سازگاری، ثبات و رضایت زناشویی همسران: یک مطالعه مروری

The Role of Couples' Families in adjustment, Stability and Marital Satisfaction of Spouses: A review study

رویا منتظری
کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Roya Montazeri
Master of Family Counseling, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. *rmontazeri6@gmail.com*

چکیده

ازدواج به عنوان یکی از مراحل مهم در خانواده، از نفوذ و مشارکت والدین برخوردار می‌باشد. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که ابعاد مختلفی از روابط زناشویی زوجین تحت تأثیر خانواده‌های آن‌ها قرار گرفته و کیفیت زندگی آن‌ها را تغییر می‌دهد. هدف این مطالعه ارائه تصویر روشنی از ابعاد مختلف نقش و اثرگذاری خانواده‌های زوجین در سازگاری، ثبات و رضایت زناشویی همسران می‌باشد. در این مطالعه مروری، به منظور یافتن منابع و مطالعات مرتبط بین بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰، از پایگاه‌های معتبر علمی مانند Google Scholar، PubMed، ScinenceDirect، Scopus، SID، Magiran، استفاده شده است. جستجو با استفاده از کلمات کلیدی مانند marital adjustment ,in-law, family-of-origin marital Satisfaction, در مقالات انگلیسی و کلید واژه‌های روابط سببی، خانواده همسر، خانواده اصلی، دخالت خانواده‌ها، سازگاری زناشویی، رضایت زناشویی در مقالات فارسی انجام شده است. در مجموع از ۹۰ مقاله مرتبط، ۳۷ مقاله شرایط ورود به پژوهش را داشته‌اند. طبق مستندات، نقش والدین در دو دوره قبل و بعد از ازدواج می‌تواند رابطه زوجین را تحت تأثیر قرار دهد. درواقع میزان دخالت و سهم خانواده در نحوه همسرگزینی برای فرزند در قبل از ازدواج و میزان دخالت‌ها به شکل آسیب‌های تعاملی در بعد از ازدواج می‌تواند رضایت و سازگاری زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرار داده و حتی باعث فروپاشی و طلاق زوج گردد. علاوه بر نقش مسقیم خانواده‌ها، تجارب آموخته شده همسران از خانواده اصلی که شکل‌دهنده الگوی روابط، سبک دلبستگی و تمایز یافتگی زوجین در روابط می‌باشد نیز، می‌تواند به صورت غیر مستقیم نقش خانواده‌ها را در زندگی زناشویی همسران نشان دهد.

واژه‌های کلیدی: *خانواده اصلی، خانواده همسر، سازگاری زناشویی، رضایت زناشویی، مرور سیستماتیک*

Abstract

Marriage, as one of the most important stages in the family, has the influence and participation of parents. Recent studies show that different aspects of couples' marital relationships are affected by their families and change their quality of life. The purpose of this study is to provide a clear picture of the different dimensions of the role and effectiveness of couples' families in marital adjustment, stability, and marital satisfaction. In this review study, in order to find related sources and studies between 2010 and 2020, valid scientific databases such as Magiran, SID, Scopus, ScienceDirect, PubMed, and Google Scholar have been used. The search was performed using keywords such as in-law, family-of-origin, marital Satisfaction, a marital adjustment in English articles, and the keywords causal relationships, spouse family, main family, family involvement, marital adjustment, and marital satisfaction in Persian articles. A total of 37 related articles out of 90 related articles were eligible to enter the research. According to the documents, the role of parents in the two periods before and after marriage can affect the couple's relationship. In fact, the degree of involvement and share of the family in how to choose a spouse for the child before marriage and the degree of interference in the form of interactive injuries after marriage can affect marital satisfaction and marital compatibility and even cause the couple to break up and divorce. In addition to the direct role of families, the experiences of spouses learned from the main family, which form the pattern of relationships, attachment style, and differentiation of couples in relationships, can also indirectly show the role of families in the marital life of spouses.

Keywords: *Family-of-Origin, in-law, Marital Adjustment, Marital Satisfaction, Systematic review*

نوع مقاله : مروری سیستماتیک **دریافت : آبان ۱۴۰۰** **پذیرش: دی ۱۴۰۰** **ویرایش نهایی: فروردین ۱۴۰۱**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6]

مقدمه

ازدواج و خانواده به عنوان یکی از زیربناهای اصلی اجتماع و یکی از نظام‌های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده است و در همه جوامع اهمیت اساسی دارد (دولان[1]، ۲۰۱۱). باتوجه به این مسئله، بررسی عوامل تسهیل‌کننده در روابط زوجین و عواملی که در تداوم این ارتباط مؤثر باشد، همواره مورد توجه می‌باشد. ازدواج موفق معمولا با سازگاری و رضایت زناشویی همراه است. ازدواجی را می‌توان موفق نامید که در آن رضایت زناشویی زوج بالا باشد و از سازگاری و تفاهم برخوردار باشد، همچنین ازدواج آن‌ها پایدار بوده و از ثبات مناسبی برخوردار باشد. با ازدواج و ایجاد رابطه زناشویی، رضایت زناشویی به یکی از مفاهیم مهم در مورد کیفیت ازدواج تبدیل می‌شود (ویسمن[2] و همکاران، ۲۰۱۸) و آنچه از امر ازدواج مهم‌تر است، رضایت و سازگاری زوجین با یکدیگر می‌باشد.

رضایت زناشویی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم و تعیین‌کننده در استحکام خانواده، وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی، رضایت از ازدواج و رضایت از همدیگر دارند (کرنی و بردبوری[3]، ۲۰۲۰). این امر زمانی تحقق می‌یابد که وضعیت موجود در رابطه با وضعیت مورد انتظار فرد منطبق باشد (بالاچر[4] و همکاران، ۲۰۱۳). سازگاری تمایل به واکنش سازنده به جای واکنش آسیب‌زا به یک کنش بالقوه‌ی مخرب و نوعی رفتار تطابقی برای مواجهه با تقاضاهای محیطی می‌باشد (بارامب و بویسکار[5]، ۲۰۱۳). سازگاری زناشویی به عنوان یک فرآیند تکاملی میان زوج و یکی از ملاک‌های موفقیت تعامل زوجین می‌باشد (مندال[6]، ۲۰۱۴)، که لازمه آن تطابق سلیقه‌ها، صفات شخصیتی و الگوهای ارتباطی می‌باشد. همچنین وضعیتی است که در آن احساس غالب زوجین از رابطه با یکدیگر خوشبختی و رضایت است (ویشمن و بوکام[7]، ۲۰۱۲).

عوامل مربوط به روابط زوجین اعم از ثبات، سازگاری و رضایت زناشویی، می‌تواند تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله نقش و نفوذ خانواده‌های آن‌ها، دچار تغییر و تحولاتی شود. نظریه‌هایی اعم از نظریه چند نسلی[8] بوئن[9]، نظریه دلبستگی بالبی[10] و نظریه یادگیری اجتماعی می‌توانند به درستی نقش خانواده‌ها را در زندگی افراد تبیین کنند. یکی از عوامل مهم که بر رضایت زناشویی تأثیر دارد، تجارب اولیه فرد با والدین در دوران کودکی می‌باشد (بری[11] و همکاران، ۲۰۱۴). لذا طبق نظریه دلبستگی، روابط والد-فرزندی می‌تواند به رابطه عاشقانه با همسر در بزرگسالی انتقال یابد و درواقع سبک دلبستگی افراد به عنوان عامل پیش‌بینی کننده کیفیت زندگی زناشویی همسران شناخته می‌شود (کالیل[12] و همکاران، ۲۰۱۴). دلبستگی ایمن باعث روابط بین فردی سازگارانه و دلبستگی ناایمن موجب آسیب دیدن کارکردهای بین فردی می‌شود (عین دور[13] و همکاران، ۲۰۱۰). بر همین اساس زوجینی که سبک دلبستگی ایمن را از روابط با خانواده اصلی به روابط با همسر خویش منتقل می‌کنند، از سطح رضایتمندی بیشتری برخوردار می‌شوند و از طرفی سبک دلبستگی ناایمن رضایت زناشویی پایین‌تری را به همراه دارد.

طبق نظریه چند نسلی بوئن، افراد ویژگی‌های مهمی همچون مرزگذاری در روابط و الگوهای ارتباطی را از خانواده اصلی خویش می‌آموزند، و سپس آموخته‌های آن‌ها زمینه‌ساز تعاملات بعدی آن‌ها در روابط میان فردی و به ویژه روابط زوجی با همسر می‌شود (گلدنبرگ و گلدنبرگ[14]، ۲۰۰۸). بوئن (۱۹۷۸) معتقد است که در رابطه زناشویی هرگاه سطح تمایزیافتگی هر دو زوج پایین باشد آمیزش عاطفی بیشتری روی می‌دهد که این حالت منجر به کاهش کیفیت و سازگاری پایین در روابط زناشویی می‌شود. بنابراین طبق این دیدگاه افرادی

1 Dolan
2 Whisman,M. A
3 Karney & Bradbury
4 Blacher
5Bhrambe,K& baviskar, P
6 Mondol, J
7 Whisman, M & Baucom, D
8 Multi-generational Theory
9 Bowen
10 Bowlby
11 Berry
12 Kalil
13 Ein-Dor, T
14 Goldenberg & Goldenberg, I.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6]

که تمایزیافتگی اندکی دارند، ممکن است خانواده خود را در مسائل زناشویی خویش دخالت داده و نه تنها باعث ایجاد مشکلاتی بین زوجین می‌شود، بلکه می‌تواند روابط آن‌ها را با خانواده همسر نیز مختل کند. درواقع وابستگی بیش از حد هر یک از زوجین به خانواده‌اش، این فرصت را به والدینش می‌دهد تا با مداخلات بیشتر باعث پایین آمدن رضایت زناشویی زوج گردد. از طرفی هر اندازه که سطح تمایزیافتگی افزایش یابد، بنابراین وابستگی همسر به خانواده اصلی کمتر شده و با کاهش دخالت‌های خانواده می‌توان شاهد افزایش رضایت زناشویی همسران بود (هاوس[1] و همکاران، ۱۹۹۸). طبق دیدگاه یادگیری-اجتماعی والدین با رفتارهای تنبیهی و تشویقی بر شکل‌گیری رفتار فرزندان نفوذ قابل توجهی دارند. اهمیت سلامت خانواده مبدأ و محتوای یادگیری اولیه می‌تواند زیربنای شکل‌گیری مفهومی گردد که مارکس[2] (۱۹۸۶) آن را پارادایم زناشویی بیان می‌کند. این پارادایم زیربنای باورهای فردی درباره مشکلات زناشویی و راه حل‌های آن‌ها قرار می‌گیرد که ارتباط زناشویی بر مبنای آن شکل می‌گیرد (گاتمن[3]، ۲۰۱۴).

به طور کلی می‌توان اذعان داشت که خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین بستر رشد و یکی از عوامل اثرگذار در زندگی فرد، می‌تواند ابعاد گوناگونی از کیفیت زندگی او در آینده و به ویژه روابط زناشویی او با همسرش را تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین حتی اگر افراد از نظر مکانی هم از خانواده مبدأ دور باشند؛ ولی باورها، نگرش‌ها، رفتارها و الگوهای تعاملی خانواده می‌تواند ابعاد مختلف زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. لذا لازم و ضروری است که ابعاد مختلف زندگی زوجین اعم از سازگاری، رضایت و ثبات زناشویی زوجین با توجه به نقش و مشارکت خانواده‌ها مورد بررسی قرار گیرد تا نسبت به موانع اصلی که از نقش خانواده‌ها در این زمینه ناشی می‌شود آگاهی لازم کسب گردد و جهت مانع‌زدایی و بهبود عملکرد خانواده مداخلاتی مؤثر انجام گردد. در همین راستا پژوهش حاضر به مرور مطالعات انجام شده در زمینه نقش خانواده‌های زوجین در سازگاری، ثبات و رضایت زناشویی همسران پرداخته است.

روش

مطالعه حاضر یک پژوهش مروری نظام‌مند[4] است که در آن مقالات نمایه شده در پایگاه های اطلاعاتی انگلیسی نظیر Google Scholar، PubMed، ScienceDirect، Scopus و پایگاه اطلاعاتی علمی جهاد دانشگاهی(SID)، بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)، در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ مورد جستجو قرار گرفتند. پژوهشگر در این مطالعه با استفاده از کلیدواژه‌های تعیین شده، مقالات معتبر الکترونیک استخراج نموده و با بررسی متون کامل این مقالات، داده‌های حاصل را به صورت دسته‌بندی شده توصیف نمود. ابتدا کلیدواژه‌های in-law, family-of-origin, marital Satisfaction, marital adjustment جستجو شد و جستجو با استفاده از کلیدواژه‌های روابط سببی، خانواده همسر، خانواده اصلی، دخالت خانواده‌ها، سازگاری زناشویی، رضایت زناشویی، ثبات زناشویی در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی انجام شد. در جستجو با کلیدواژه‌های فوق به صورت اولیه، حدود ۷۰۰ مقاله انگلیسی و ۲۰۰ مقاله فارسی به دست آمد که پس از مطالعه عناوین مقالات و حذف مقالات تکراری بازیابی شده از پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف، ۹۰ مقاله مرتبط انتخاب شد. پس از انتخاب اولیه مقالات مرتبط براساس چکیده، مقاله‌هایی که در حوزه نقش خانواده‌های زوجین در کیفیت و رضایت زناشویی همسران نبودند حذف شدند. مرتبط بودن با هدف پژوهش، برخورداری از چهارچوبی ساختاریافته پژوهشی، تمام متن بودن مقاله و انتشار آن در مجله معتبر از جمله معیارهای ورود مقالات پژوهشی به روند بررسی پژوهش بودند. همچنین کیفیت مقالات با توجه به عواملی همچون روش پژوهش و نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات، هدف و جامعه پژوهش، نحوه نمونه‌گیری، مشخص بودن معیارهای ورود و خروج و رعایت اخلاق در پژوهش، ارائه یافته‌ها مرتبط با اهداف پژوهش و بحث در مورد نتیجه یافته‌ها با استناد به منابع معتبر مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت۳۷ مقاله انگلیسی و فارسی مرتبط با موضوع، شرایط ورود به تحقیق را داشتند و مورد بررسی نهایی قرار گرفتند.

یافته ها

1 Haws
2 Marx
3 Gottman. J.M
4 Systematic review

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6]

در این پژوهش تعداد۳۷ مقاله فارسی و انگلیسی که واجد شرایط بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. در ادامه یافته‌های حاصل از مقالات مرور شده که به نحوی به نقش و نفوذ خانواده‌ها در زندگی زناشویی افراد اشاره کرده و کیفیت زندگی همسران را تحت تأثیر خانواده‌های آن‌ها گزارش کرده‌اند، ارائه می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱: مشخصات مقالات مرور شده

ردیف	نویسنده و سال	عنوان پژوهش	روش	یافته‌ها
۱	افقری و همکاران (۱۳۹۳)	بررسی آسیب‌های موجود در تعامل والدین با فرزندان متأهل خود	کیفی- توصیفی	وابستگی، انتظارات نابجا، بی اعتنایی، دخالت و رفتارهای منفی از جمله آسیب‌های موجود در تعامل والدین با فرزندان متأهل خود می‌باشد که در این بین انتظارات نابجا از فرزند پسر بیش‌تر از فرزند دختر است
۲	جابری و همکاران (۱۳۹۳)	تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی زنان شهر اصفهان	کمی	در این مطالعه آسیب‌شناسی ارتباط با خانواده همسر جزء عوامل پیش‌بینی کننده صمیمت زناشویی برآورد شده است. بر این اساس هر زوج علاوه بر ارتباط با خانواده اصلی خویش، با خانواده همسر به عنوان عضوی جدید از خانواده در ارتباط می‌باشد که نداشتن برخی مهارت‌های ارتباطی و یا انجام رفتارهای نامناسب از سوی طرفین، می‌تواند به عنوان آسیب‌های ارتباط فرد با خانواده همسر در کیفیت ارتباط زوجین با یکدیگر اثرگذار باشد
۳	چراغی و همکاران (۱۳۹۴)	مقایسه ارتباط با خانوادهٔ همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی	کمی	نتایج این تحقیق اشاره می‌کند از آن‌جایی که وجود تعارضات زیاد بین عروس و خانواده همسر بالاخص مادر یکی از مهم‌ترین عوامل استرس‌زا در خانواده‌های ایرانی است، و بدین ترتیب رابطه‌ی بین مادرشوهر و عروس خانواده از اهمیت بالایی برخوردار است پس احتمالاً همین مسئله نیز باعث می‌شود که زنان نسبت به مردان رابطه‌ی با خانواده همسر را بی‌ثبات‌تر، با کیفیت و رضایت پایین‌تر همراه با بالا بودن انتظارات خانواده‌ی همسر نیز، گزارش کنند و همچنین مادر همسر نسبت به پدر همسر در شکل‌گیری رابطه‌ای مطلوب یا نامطلوب در زندگی زوجین نقش پررنگ‌تری را ایفا می‌کند پس می‌توان گفت بطور کلی در تعارضات زناشویی خانواده‌ی مردان نسبت به خانواده‌ی زنان سهم بیشتر و قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهند.
۴	چراغی و همکاران (۱۳۹۴)	پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی	کمی	نتایج حکایت از آن دارد که متغیر خرسندی زوجین از ارتباط با دو خانواده، به تنهایی قادر به پیش‌بینی ۴۰درصد از رضایت زناشویی زوجین می‌باشد. درواقع حدود یک سوم رضایت زناشویی از سوی زوجین را چگونگی کیفیت تعاملات آن‌ها با دو خانواده پوشش می‌دهد که در جایگاه خود آمار قابل توجهی محسوب می‌گردد. همچنین برآورد شده است که سهم خانواده‌ی مردان نسبت به خانواده‌ی زنان در رضایت زناشویی بیشتر می‌باشد. نتایج تحلیل عاملی در این مطالعه مشخص کرده است که عامل پیوستن می‌تواند با ۳۲/۹۶ درصد واریانس کل در سیستم خانواده سهم مهمی را در روابط خانوادگی به خود تخصیص دهد و درواقع ایجاد پیوستگی بین زوجین و خانواده‌های طرفین می‌تواند نقش مهمی در رضایت زناشویی داشته باشد.
۵	صاحبدل و همکاران (۱۳۹۴)	شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق: یک مطالعه کیفی	کیفی	یکی از یافته‌های مهم این تحقیق این می‌باشد که چگونگی تعاملات با خانواده اصلی می‌تواند در شکست یا موفقیت ازدواج زوجین اثرگذار باشد و روابط حمایتی و محترمانه با خانواده اصلی به عنوان شاخص مربوط به خانواده اصلی از جمله شاخص‌های ازدواج موفق برآورد شده است.
۶	طاهری بخش (۱۳۹۵)	بررسی رابطه سلامت خانواده اصلی با سازگاری زناشویی در زوجین شهر تهران	کمی	نقش والدین و سلامت خانواده اصلی در سازگاری زناشویی فرزند بعد از ازدواج اثرگذار بوده و تجاربی که فرزند از خانواده اصلی داشته می‌تواند شکل‌دهنده رفتار و روابط بین فردی او باشد که کیفیت ازدواج او را پیش‌بینی می‌کند

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6]

۷	فرحبخش (۱۳۹۰)	همبستگی بین ویژگی‌های ادراک شده خانواده اصلی و فعلی و رابطه آن با تعارض زناشویی	کمی	هر اندازه که ادراک فرزندان از خانواده اصلی خویش بیشتر باشد، ادراک آن‌ها از خانواده فعلی خویش با همسر افزایش یافته و از طرفی میزان تعارض زناشویی آن‌ها با همسر نیز کمتر می‌شود
۸	قاسمی و همکاران (۱۳۹۵)	شناسایی آسیب‌های تعاملی زوجین و خانواده همسر و پیامدهای آن: پژوهش کیفی	کیفی	برآورد شده است که دخالت و عدم مرزبندی صحیح در روابط، انتظارات و توقعات، حسادت، کینه توزی و ایجاد اختلاف، وابستگی، تفاوت های فرهنگی و اجتماعی، بدرفتاری و عدم پذیرش عروس و داماد به عنوان آسیب‌های تعاملی خانواده‌ی همسر با عروس و داماد است که به عنوان ابعاد مهم نفوذ و نقش خانواده‌ها در ثبات زندگی همسران شناخته می‌شود
۹	قاسمی و همکاران (۱۳۹۴)	رابطه تعاملات منفی بین زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی در زنان	کمی	بر طبق نتایج، تعاملات منفی با خانواده‌ی همسر در بعد هیجانی ۲۲درصد از تعارضات زناشویی و در بعد رفتاری ۱۲درصد از صمیمیت زوجین را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر می‌تواند روابط زوجین و ثبات پیوند زناشویی را تحت تاثر قرار دهد.
۱۰	قاسمی و ساروخانی (۱۳۹۲)	عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی (شهرستان کرمانشاه)	کمی	طبق یافته‌ها، دخالت خانواده‌های زوجین به عنوان عاملی قابل توجه در تعارضات زناشویی، با ۱۲/۵درصد عامل مهم در طلاق برآورد شده است که نقش مهم خانواده را در ثبات یا فروپاشی زندگی همسران گزارش می‌کند.
۱۱	مظاهری و همکاران (۱۳۸۸)	رابطه سبک های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج	کمی	بررسی اطلاعات نشان می‌دهد که سازگاری زناشویی در بین زوجینی که با رضایت خانواده‌ها ازدواج کرده‌اند نسبت به ازدواج‌های اجباری و بدون رضایت خانواده‌ها، بیشتر می‌باشد. درواقع به دلیل عدم رضایت خانواده‌ها در گزینش همسر فرزندشان و به دنبال آن برآورده نشدن رابطه مطلوب بین آن‌ها، زوجین را به این سو هدایت می‌کند که جهت جبران کمبود در رابطه با خانواده‌ی همسر خویش در تلاش باشند که به خانواده‌ی اصلی خود نزدیکی بیشتری پیدا کنند و دوری خود را از خانواده‌ی همسر افزایش دهند، که این مسئله می‌تواند مرزهای سالم هریک از زوجین را با خانواده‌ی اصلی خویش متزلزل کند و زمینه را برای ایجاد درهم تنیدگی و مرزهای ناسالم بین آن‌ها فراهم کند. همین امر باعث کاهش صمیمیت روابط زوجین و افزایش تعارضات آن‌ها می‌گردد
۱۲	یوسفی افراشته و حیاتی (۱۴۰۰)	شناسایی مؤلفه‌های خوشبختی زوجی در خانواده‌های ایرانی: رویکرد نظریه زمینه‌ای	کیفی	نتایج مطالعات در راستای مؤلفه‌های خوشبختی در بین خانواده‌های ایرانی نشان می‌دهد که خانواده‌های همسران به عنوان یکی از مؤلفه‌های زمینه‌ای مناسب می‌توانند در خوشبختی زندگی زوج نقش داشته باشند
۱۳	عابدینی (۱۳۹۵)	بررسی تأثیر مقدار دخالت اطرافیان و طرفداری از خانواده پدری بر مقدار دلسردی از زندگی با همسر: مورد مطالعه زوجین شهر تبریز	کمی	در این پژوهش گزارش شده است که دخالت خانواده‌ها و مقدار طرفداری از خانواده پدری می‌تواند بر دلسردی زوجین از یکدیگر اثرگذار باشد. در این راستا اشاره شده است که سهم طرفداری از خانواده پدری در میزان دلسردی همسران، بیشتر می‌باشد.
۱۴	چراغی و همکاران (۲۰۱۹)	تحلیل کیفی روابط موفق با خانواده همسر در ایران	کیفی	در این پژوهش مدل سه‌گانه خانواده به عنوان مدلی جهت تبیین حالت بهینه روابط خانوادگی و ازدواج ایده‌آل در ایران معرفی شده است. طبق این مدل برآورد شده است که ایجاد پیوند محکم همسران با خانواده همسر یکی از ملزومات مهم سازگاری و رضایت زناشویی در ایران محسوب می‌شود. درواقع مهم است که والدین رخصت فاصله و استقلال فرزندان از آن‌ها را بدهند تا هم فرزندشان با همسر خویش روابط متحدانه‌ای را تجربه کرده و هم اینکه بتواند به شکل بهینه‌تری به خانواده همسرش بپیوندد. در این صورت ازدواج و به طور کلی روابط خانوادگی بعد از ازدواج فرزند در حالت بهینه‌ای قرار داشته که می‌تواند در کیفیت و افزایش رضایتمندی طرفین روابط اثرگذاری مثبتی داشته باشد و روابط متحدانه همسران نیز، افزایش یابد.
۱۵	پارک و پارک (۲۰۱۹)	زندگی با خانواده همسر و تعارضات زناشویی: مطالعه موردی خانواده درمانی	کیفی	در این پژوهش با بررسی زوجین کره و چینی، گزارش شده است که حضور مادرشوهر بصورت دائم در زندگی زوجین به عنوان یکی از عوامل ایجاد کننده

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6]

				تعارضات زناشویی زوجین شناخته می‌شود. در این بین نقش عوامل فرهنگی در درگیری‌های خانوادگی و سهم آن در روابط زوجین قابل توجه می‌باشد.
۱۶	یوآن (۲۰۱۹)	مثلث‌سازی با خانواده اصلی و کیفیت زناشویی زوجین چینی: نقش واسطه‌ای ارتباط با خانواده همسر	کمی	نتایج نشان می‌دهد که چگونگی روابط با خانواده‌ها می‌تواند در کیفیت زندگی همسران نقش مهمی را ایفا کند. با توجه به گسترده بودن روابط خانوادگی در فرهنگ چینی، برآورد شده است که مثلث‌سازی با خانواده اصلی باعث متزلزل شدن مرزها در روابط شده و کیفیت روابط زوج را تحت تاثیر قرار می‌دهد.
۱۷	ملک عسگر (۱۳۹۶)	رابطه میان سطوح متفاوت روابط پیش از ازدواج و نگرش والدین به آن با میزان سازگاری زناشویی زوجین	کمی	بررسی در پژوهش نشان می‌دهد که هر اندازه والدین با ازدواج زوج موافق باشند، میزان سازگاری همسران هم افزایش می‌یابد. بنابراین نوع نگاهی که والدین به همسر فرزندشان داشته و میزان رضایتمندی که از ازدواج آن‌ها دارند، می‌تواند سازگاری زناشویی زوج را تحت تاثیر قرار دهد
۱۸	هراتیان و همکاران (۱۳۹۹)	شناسایی عوامل ثبات زناشویی در جامعه ایرانی-اسلامی: رویکرد فراترکیب	کیفی	نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های مربوط به خانواده‌های زوجین از جمله موضع خانواده اصلی در ازدواج فرزندان، ویژگی‌های روان‌شناختی خانواده اصلی، ساختار خانواده اصلی، مهارت‌های خانواده اصلی، مطابقت‌های دو خانواده اصلی، تعامل خانوادگی و فقدان بحران در خانواده اصلی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ثبات زندگی همسران می‌باشد
۱۹	جواهری و همکاران (۱۳۹۴)	مقایسه رضایت زناشویی در زوجین با همسرگزینی سنتی و غیر سنتی شهر تهران	کمی-کیفی	گزارش شده است نحوه همسرگزینی که با میزان دخالت خانواده‌ها در ازدواج زوج مرتبط است، می‌تواند در رضایتمندی زوجین اثرگذار باشد. بر همین اساس در ازدواج‌هایی با همسرگزینی سنتی که با دخالت بیشتر خانواده‌ها همراه می‌باشد نسبت به همسرگزینی غیرسنتی، میزان رضایت زناشویی بیشتری برآورد شده است
۲۰	رجبی و همکاران (۱۳۹۷)	شناسایی مؤلفه‌های کیفیت زناشویی زوج‌ها: یک پژوهش کیفی	کیفی	در این پژوهش مشخص شده است که عدم دخالت خانواده‌های زوجین به عنوان یکی از عوامل مهم در جلوگیری از شکست زندگی همسران و افزایش کیفیت و رضایتمندی آن‌ها می‌باشد
۲۱	ناهیدپور و همکاران (۱۳۹۳)	الگوی ساختاری ارتباط مشکلات عاطفی-روانی-رفتاری در خانواده اصلی با رضایت زناشویی زنان	کمی	نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که مشکلات موجود در خانواده اصلی با کیفیت زندگی زوجین در ارتباط است و توجه به آن جهت بهبود کیفیت زندگی همسران امری ضروری می‌باشد.
۲۲	عارفی و همکاران (۱۳۹۴)	پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوج‌های جوان فرهنگی بر مبنای میزان تمایزیافتگی از خانواده اصلی و رضایت زناشویی والدین	کمی	دست‌آورد این پژوهش نشان می‌دهد زوج‌هایی که رضایت زناشویی والدینشان بالاست و از سطح تمایزیافتگی بالاتری از خانواده خویش برخوردارند، در زندگی خود نیز سازگاری زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند.
۲۳	شادمانی (۱۳۹۹)	پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس رضایت زناشویی والدین و سلامت خانواده پدری	کمی	یافته‌ها نشان دادند که میان رضایت زناشویی با رضایت زناشویی والدین و سلامت خانواده پدری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و می‌تواند ۰/۱۳ از واریانس رضایت زناشویی را تبیین کند.
۲۴	رشیدی و همکاران (۱۳۹۵)	رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و تمایزیافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق در کرمانشاه	کمی	بررسی‌ها نشان داده است که الگوهای ارتباطی و تمایزیافتگی در روابط با خانواده‌ها می‌تواند کیفیت زندگی زوجین را تحت تاثیر قرار دهد.
۲۵	رسایی و عروتی (۱۴۰۰)	پیش‌بینی رضایت زناشویی و تاب‌آوری براساس سبک دلبستگی در دانشجویان متأهل	کمی	نتایج نشان داده است که سبک دلبستگی افراد با رضایت زناشویی آن‌ها رابطه معناداری دارد. افراد باسبک دلبستگی ایمن رضایت زناشویی بیشتری را تجربه کرده و سبک دلبستگی ناایمن رضایت زناشویی کمتری را به همراه دارد.
۲۶	آلدر و همکاران (۲۰۱۸)	پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس ادراک والدین: نقش تعدیل کننده رفتارهای دلبستگی	کمی	گزارش شده است که رفتارهای دلبستگی ایمن که حاکی از رابط سالم خانواده بافرزند می‌باشد، رابطه مثبت و معناداری با افزایش رضایت زناشویی همسران دارد.
۲۷	سولومون و جکسون (۲۰۱۴)	چرا ویژگی‌های شخصیتی طلاق را پیش‌بینی می‌کند؟ رضایت از طریق مسیرهای متعدد	کمی	این پژوهش تجارب خانواده مبدأ که زمینه ساز مهمی در ویژگی‌های شخصیتی می‌باشد را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در موفقیت رابطه زناشویی گزارش می‌کند.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6]

۲۸	ماساریک و همکاران (۲۰۱۳)	روابط عاشقانه در اوایل بزرگسالی: تأثیر خانواده، شخصیت و شناخت در روابط	کمی	در این مقاله برآورد شده است که تجاربی که فرد از خانواده مبدأ دارد شکل-دهنده ویژگی‌های شخصیتی است که می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت ازدواج او و رابطه او با همسرش باشد.
۲۹	فلاح‌زاده ابرقویی و تقی‌نژاد (۱۳۹۶)	رابطه بین سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی	کمی	در این مقاله اشاره شده است که هراندازه دلبستگی ایمن از طریق ارتباط سالم بین خانواده و فرد شکل گرفته باشد، می‌توان رضایت زناشویی بیشتری را در زندگی زناشویی فرد شاهد بود.
۳۰	محسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)	مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)	کیفی	در این مقاله اشاره شده است که تعارضات شدید با خانواده همسر به عنوان یکی از عوامل مؤثر در بعد از ازدواج در مورد اقدام به طلاق در بین زوجین می‌باشد.
۳۱	حاجی پهلوان و همکاران (۱۴۰۰)	افزایش و کاهش طلاق با توجه به نقش خانواده همسر در زندگی خصوصی	مروری	این مقاله با مرور مطالعات مربوط به آسیب‌های رابطه زوجین و خانواده همسر به این مسئله اشاره می‌کند که خانواده همسر نقش مهمی در طلاق زوجین داشته و وجود راهکارهایی برای بهبود روابط خانواده‌ها و زوجین و تمایزیافتگی زوجین می‌تواند باعث کاهش کشمکش‌های خانوادگی و افزایش رضایت زناشویی شود.
۳۲	پور اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۸)	نقش عملکرد خانواده اصلی و روان رنجورخویی در باورهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق	کمی	گزارش این مقاله نشان می‌دهد که عملکرد خانواده اصلی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در تعارضات زناشویی می‌باشد طوری که کارکرد بهنجار خانواده اصلی یکی از عوامل پیش‌بینی کننده در کاهش تعارضات زناشویی و درنتیجه کاهش اقدام به طلاق در زوجین می‌باشد.
۳۳	بلیاد و همکاران (۱۳۹۳)	نقش خانواده اصلی در تمایز خود و تعارضات زناشویی	کمی	بررسی‌ها در این مقاله نشان می‌دهد که بین نقش خانواده اصلی و تعارضات زناشویی همبستگی مثبتی وجود دارد و هراندازه که روابط سالمی در الگوهای ارتباطی خانواده اصلی برقرار باشد بنابراین تعارضات زوجین کاهش یافته و از طرفی رضایت آن‌ها افزایش می‌یابد.
۳۴	احمدی و همکاران (۱۳۹۷)	رابطه خودمختاری و صمیمت خانواده مبدا با سازگاری زناشویی: نقش عوامل شخصیتی	کمی	در این پژوهش برآورد شده است که نقش خانواده اصلی در سازگاری زناشویی زوجین به این صورت می‌باشد که هرچه مرزگذاری و استقلال در روابط با خانواده بیشتر باشد و صمیمت بیشتری بین آن‌ها برقرار باشد بنابراین زوجین با کنترل هرچه بهتر تکانه‌های خود باعث افزایش سازگاری زناشویی می‌شوند.
۳۵	جانسون و همکاران (۲۰۱۵)	مسیرهای موفقیت روابط عاشقانه میان زوجین چینی: کمک به اختلال عملکرد خانواده، مشکلات سلامت روان و تعاملات منفی زوجین	کمی	بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد که چگونگی تعاملات و تجارب خانواده اصلی بر کیفیت و روابط زناشویی فرزندان اثر قابل توجهی دارد.
۳۶	موروا و تورلیوک (۲۰۱۲)	خانواده مبدأ، دلبستگی عاشقانه و سازگاری زناشویی	کمی	اشاره شده است که تجارب افراد در خانواده اصلی نشان دهنده این است که از خانواده‌ای مشکل‌دار پرورش یافته و احتمالا مستعد تکرار تجارب و مشاهدات گذشته در زندگی زناشویی خود هستند. بنابراین نقش خانواده‌های زوجین امری مؤثر در کیفیت زندگی و تعاملات همسران می‌باشد.
۳۷	ویسز و همکاران (۲۰۱۴)	آمادگی زناشویی، تجربیات و ویژگیهای فردی در مطالعه کیفی ازدواج	کیفی	این تحقیق طولی عنوان می‌کند که سلامت خانواده اصلی در کیفیت و موفقیت زندگی زناشویی فرزندان اثر پایداری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش مروری حاضر با هدف بررسی نقش خانواده‌های زوجین در ثبات، سازگاری و رضایت زناشویی همسران انجام شد. طبق اطلاعات به دست آمده می‌توان اذعان داشت که برخلاف روابط عاشقانه‌ی دونفره نمی‌توان ازدواج را صرفا یک رابطه‌ی دونفره در نظر گرفت بلکه با ازدواج فرزندان گویا دو خانواده با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند و بستر روابط نیز گسترش می‌یابد. لذا مشارکت و نفوذ خانواده‌های زوجین

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6]

در سازگاری و رضایت زناشویی آن‌ها امری غیر قابل انکار می‌باشد. درواقع ازدواج فرزندان و استقلال آن‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین مرحله‌ی انتقالی و تحولی خانواده برای والدین، این نکته‌ی مهم را یادآوری می‌کند که در ازدواج تنها زوجین نیستند که تصمیم‌گیری می‌کنند بلکه نقش و نفوذ خانواده‌های طرفین و چگونگی روابط خانواده‌ها با همسران می‌تواند در ثبات و سازگاری زناشویی زوجین امری مهم تلقی گردد (نیکولز و شوارتز[1]، ۲۰۱۷).

به طور کلی طی مرور دست‌آوردهای پژوهشی در این زمینه، می‌توان گفت نقش و نفوذ خانواده‌های زوجین در کیفیت زندگی همسران به دو دوره قبل و بعد از ازدواج زوج و به صورت مستقیم و غیر مستقیم مربوط می‌شود. این بدان معنا است که مسائلی همچون نحوه همسرگزینی زوج و میزان دخالت خانواده‌ها در امر تصمیم‌گیری انتخاب همسر برای فرزند در قبل از ازدواج، می‌تواند سازگاری و رضایتمندی زناشویی زوج را تحت تاثیر قرار دهد و هر اندازه که ازدواج با رضایت و مشارکت خانواده‌های طرفین صورت گیرد احتمال افزایش ثبات و سازگاری زناشویی همسران نیز، افزایش می‌یابد (جواهری و همکاران، ۱۳۹۴). در واقع به دلیل عدم رضایت والدین همسر در گزینش همسر فرزندشان و به دنبال آن برآورده نشدن رابطه مطلوب بین همسر فرزند و خانواده همسر، زوجین را به این سو هدایت می‌کند که جهت جبران کمبود در رابطه با خانواده‌ی همسر خویش در تلاش باشند که به خانواده‌ی اصلی خود نزدیکی بیشتری پیدا کنند و دوری خود را از خانواده‌ی همسر افزایش دهند، که این مسئله می‌تواند مرزهای سالم هریک از زوجین را با خانواده‌ی اصلی خویش متزلزل کند و زمینه را برای ایجاد درهم تنیدگی و مرزهای ناسالم بین آن‌ها فراهم کند. همین امر به نظر می‌رسد باعث دوری نوه‌ها از خانواده‌ی پدری شده و با کاهش صمیمیت روابط زوجین و افزایش تعارضات، سازگاری و ثبات زناشویی زندگی همسران را تحت تاثیر قرار می‌دهد (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۸). به نظر می‌رسد این مسئله به این برمی‌گردد که درواقع با توجه به اینکه والدین برای فرزندان جایگاهی قابل احترام، انکارناپذیر و مهمی دارند (صاحبدل و همکاران، ۱۳۹۴؛ چراغی و ابراهیمی، ۱۳۹۷) و با توجه به اینکه به نظر می‌رسد والدین مسئول تمامی رفتارهای فرزندانشان شناخته می‌شوند و از طرفی دیگر فرزندان در پیروی از والدین و تحت تأثیر آن‌ها نیز، قرار دارند لذا انتخاب همسر برای فرزند هم به عنوان مرحله‌ای تحولی برای خانواده شناخته شده که مسئولیت و نفوذ خانواده‌ها را در این امر طلب می‌کند، که هرچه اهمیت جایگاه و روابط با والدین برای فرزندان بیشتر باشد آن‌ها برای جبران زحمات والدین بیشتر تلاش خواهند کرد (ارزانی، ۱۳۹۲).

از طرفی در بعد از ازدواج مسائلی همچون سلامت خانواده اصلی، چگونگی روابط والد-فرزندی و ادراک فرزند از خانواده اصلی، سبک دلبستگی والد با فرزند و الگوهای تعاملی آموخته شده و آسیب‌های تعاملی در روابط سببی بین زوجین و خانواده‌ها، برقراری مرزهای منعطف در روابط با خانواده اصلی، عدم وجود مثلث‌سازی در خانواده و وجود زمینه لازم برای احساس پیوستگی زوج به خانواده همسر، می‌تواند در سازگاری و پایداری زناشویی همسران نقش مهمی را ایفا کرده و حتی به طلاق و فروپاشی زندگی زوجین منجر گردد، طوری که دخالت اطرافیان را با ۱۲/۵درصد عامل مهم در طلاق گزارش کرده‌اند که می‌توان آن را به عنوان عاملی قابل توجه در تعارضات زناشویی نام برد (قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲). بنابراین به نظر می‌آید برای موفقیت ازدواج در جامعه‌ی ایران تنها این موضوع مهم نیست که کیفیت روابط زوجین با یکدیگر چگونه است بلکه این مسأله که رابطه‌ی هریک با خانواده‌ی طرف مقابل، نفوذ و نقش والدین همسران چگونه است نیز، از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. در همین راستا نتایج یافته‌ها نشان داده است تجاربی که فرزند از خانواده اصلی داشته می‌تواند شکل‌دهنده رفتار و روابط بین فردی او باشد و کیفیت ازدواج او را پیش‌بینی کند (طاهری بخش، ۱۳۹۵) و نحوه روابط والدین با فرزندانشان که بر شکل‌گیری سبک دلبستگی آن‌ها و میزان تمایز یافتگی در روابط اثرگذار است، می‌تواند یکی از عوامل زمینه‌ساز برای کیفیت روابط بین فردی هر یک از همسران در آینده باشد. طوری که سبک دلبستگی هر یک از همسران و تمایزیافتگی در روابط که در خانواده اصلی ریشه دارد، می‌تواند در نحوه ارتباط او با خانواده همسر و زندگی زناشویی با همسرش تأثیرگذار باشد (فلاح‌زاده ابرقویی و تقی‌نژاد، ۱۳۹۶؛ آلدر[2] و همکاران، ۲۰۱۸؛ موروا و تورلیوک[3]، ۲۰۱۲). همچنین هر اندازه که ادراک فرزندان از خانواده اصلی خویش بیشتر باشد، ادراک آن‌ها از خانواده فعلی خویش با همسر افزایش یافته و از طرفی میزان تعارض زناشویی آن‌ها با همسر نیز کمتر می‌شود (فرحبخش،۱۳۹۰).

طبق مدل سه‌گانه خانواده، وجود اتحاد بین زوج و برقراری ازدواجی ایده‌آل در گرو ایجاد مرزهای منعطف با خانواده اصلی و پیوستگی زوج با خانواده همسر می‌باشد، طوری که برآورد شده است عامل پیوستن می‌تواند با ۳۲/۹۶ درصد واریانس کل در سیستم خانواده سهم مهمی را در روابط خانوادگی به خود تخصیص دهد (چراغی و همکاران، ۱۳۹۴الف). براین اساس برای اینکه مرزبندی صحیحی در روابط

1 Nichols,Michael P & Schwartsz,Richard C
2 Alder
3 Muraru & Turliuc

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6]

بین والد با فرزند متأهل خویش برقرار گردد و روابط بهتری را بعد از ازدواج فرزندان رقم زند، ملزم به این است که فرزند از نظر فکری و رفتاری مستقل از والدین عمل کرده و تعاملات مطلوبی با خانواده‌اش داشته باشد، همچنین از انتقال مسائل و اطلاعات به خانواده‌ی خویش خودداری کرده و سعی کند از این طریق هرچه بهتر فاصله والدین با فرزند متأهل حفظ گردد. از طرفی والدین همسر فرزندشان را به عنوان عضوی جدید در خانواده به رسمیت بشناسند و نه تنها با او به رقابت و دشمنی نپردازند بلکه مانند بقیه‌ی اعضای خانواده او را حمایت کنند و در تمام شرایط به جای اینکه مقابل او قرار بگیرند، در کنار او باشند. این مسئله زمانی برقرار می‌شود که والدین همسر با ورود عروس یا داماد به عنوان عضوی جدید در خانواده، بتوانند هنگام روبه‌روشدن با چالش‌ها و موقعیت‌های جدید و ایجاد تحول در چرخه‌ی نظام خانوادگی خویش انعطاف‌پذیر باشند و به شکلی سازگارانه عمل کنند. درنتیجه تجربه‌ی مهم پیوستن از طرف خانواده‌ی همسر برای عروس یا داماد قابل ادراک می‌شود (چراغی و همکاران، ۲۰۱۹).

مسئله قابل توجه در یافته‌های مطالعات حکایت از مؤلفه‌های مهم فرهنگی از جمله فردگرایی و جمع‌گرایی در میزان نقش و نفوذ والدین در زندگی زوجین دارد. درواقع تفاوت‌هایی که در مورد مسئله‌ی ازدواج و خانواده‌ها در بین جوامع و افراد مختلف وجود دارد، می‌تواند ریشه در تفاوت‌های فرهنگی موجود در بین جوامع مختلف و خانواده‌ها داشته باشد (مارسن و مورالیس[1]، ۲۰۱۹). براین اساس نتایج مطالعات نشان می‌دهد که در جوامع آسیای شرقی نسبت به جوامع اروپای غربی که فرهنگ جمع‌گرایی بیشتر جریان دارد، نقش و اثرگذاری خانواده‌های زوجین در زندگی همسران نیز، بیشتر بوده است و در جوامع جمع‌گرا معیارها و خواسته‌های والد همسر حتی پس از ازدواج فرزندان نیز، در تصمیمات زوج اثرگذار بوده است. در همین راستا تحقیقات پارک و پارک[2] (۲۰۱۹) نشان داده است که تأثیر عوامل فرهنگی آسیای شرقی، الگوهای ارتباطی آسیایی‌ها با خانواده‌ی همسر و تجربیات خانواده‌ی اصلی با فرهنگ خاص به این صورت است که در جوامع جمع‌گرا تعارضات زوجی تحت تأثیر عوامل نهفته‌ای همچون تجربیات خانواده اصلی، ارتباطات ناکارآمد، عوامل اجتماعی-فرهنگی و خانوادگی، قرار می‌گیرد و حضور مادرشوهر بصورت دائم در زندگی زوجین به عنوان عوامل ایجاد کننده‌ی تعارضات شناخته شده است. به نظر می‌رسد با وجود اینکه امروزه ایران جامعه‌ای درحال گذار از سنتی به مدرنیته است (جنادله و رهنما، ۱۳۹۳) و شاهد تغییر و تحولاتی در شکل و کارکرد خانواده‌ها در گذر زمان هستیم (یزدانی و دوستی، ۱۳۹۴)، همچنان هنجارهای مقبول سنتی برقرار مانده است و الگوی سالم برای خانواده‌ی ایرانی یک الگوی جمع‌گرا نیز، معرفی شده است (پناغی و همکاران، ۱۳۹۵).

نتایج مطالعات در زمینه مؤلفه‌های خوشبختی در بین خانواده‌های ایرانی نشان می‌دهد که خانواده‌های همسران به عنوان یکی از مؤلفه‌های زمینه‌ای مناسب می‌توانند در خوشبختی زندگی زوج نقش داشته باشند (یوسفی افراشته و حیاتی، ۱۴۰۰) و ایجاد پیوند محکم همسران با خانواده همسر یکی از ملزومات مهم سازگاری و رضایت زناشویی در ایران محسوب می‌شود (چراغی و همکاران، ۱۳۹۴الف؛ چراغی و همکاران، ۲۰۱۹). طوری که چگونگی ارتباط همسران با دو خانواده‌ی اصلی می‌تواند ۴۰٪ رضایت زناشویی را در زندگی زوجین پیش‌بینی کند. درواقع حدود یک سوم رضایت زناشویی از سوی زوجین را چگونگی کیفیت تعاملات آن‌ها با دو خانواده پوشش می‌دهد که در جایگاه خود آمار قابل توجهی محسوب می‌گردد (چراغی و ابراهیمی، ۱۳۹۴الف). حال میزان اثرگذاری خانواده مردان و خانواده زنان در این امر یکسان نبوده و به نظر می‌رسد از آنجایی که رابطه‌ی مادر و فرزندان پسر رابطه‌ای مهم و شاخص در خانواده ایرانی محسوب می‌شود و همچنین نقش مادر از نظر هیجانی و عاطفی بسیار مهم‌تر از نقش پدر برای فرزندان می‌باشد (چراغی و ابراهیمی، ۱۳۹۷)؛ بنابراین این امر باعث می‌شود که از دیرباز نقش مادران در زندگی فرزندان پسر مهم‌تر باشد، طوری که نتایج مطالعات حکایت از آن دارد که وجود تعارضات زیاد بین عروس و خانواده همسر بالاخص مادر یکی از مهم‌ترین عوامل استرس‌زا در خانواده‌های ایرانی است، و بدین ترتیب رابطه‌ی بین مادرشوهر و عروس خانواده از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا زنان نسبت به مردان رابطه‌ی با خانواده همسر را بی‌ثبات‌تر، با کیفیت و رضایت پایین‌تر همراه با بالا بودن انتظارات خانواده‌ی همسر نیز، گزارش می‌کنند (چراغی و همکاران، ۱۳۹۴ب)؛ و مادر همسر نسبت به پدر همسر در شکل‌گیری رابطه‌ای مطلوب یا نامطلوب در زندگی زوجین نقش پررنگ‌تری را ایفا می‌کند (چراغی و همکاران، ۱۳۹۴ب). طوری که خانواده‌ی مردان نسبت به خانواده‌ی زنان هم در رضایت زناشویی[3] (چراغی و همکاران، ۱۳۹۴الف) و هم در تعارضات زناشویی[4] نیز می‌توانند سهم بیشتر و قابل توجهی را به خود اختصاص دهند (چراغی و همکاران، ۱۳۹۴ب).

1 Marcen & Morales
2 Park & Park
3 Marital satisfaction
4 Marital conflicts

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6]

نارضایتی‌ها و کاهش کیفیت تعاملات می‌تواند به شکل آسیب‌های تعاملی خود را نشان دهد که به عنوان یکی از ابعاد مهم نفوذ و نقش والدین در ثبات زندگی همسران شناخته می‌شود. انتظارات و توقعات، حسادت، کینه توزی و ایجاد اختلاف، تفاوت های فرهنگی و اجتماعی، بدرفتاری و عدم پذیرش عروس و داماد به عنوان آسیب‌های تعاملی خانواده‌ی همسر با عروس و داماد است (قاسمی، ۱۳۹۱) که از جمله عوامل مهم در کیفیت روابط زوج می‌باشد (جابری و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین برآورد شده است که وابستگی، انتظارات نابجا، بی اعتنایی، دخالت و رفتارهای منفی از جمله آسیب‌های موجود در تعامل والدین با فرزندان متأهل خود می‌باشد (افقری و همکاران، ۱۳۹۳) که در این بین انتظارات نابجا از فرزند پسر بیش‌تر از فرزند دختر است، که گویا این مسئله می‌تواند با پژوهش چراغی و ابراهیمی (۱۳۹۷)؛ که به دلیل ارجحیت فرزند پسر بر دختر و به دنبال آن افزایش انتظارات والدین از فرزند پسر را گزارش کرده‌اند، مرتبط باشد. اثرات این تعاملات آسیب‌زا را زمانی می‌توان بهتر درک کرد که گزارش شده است تعاملات منفی با خانواده‌ی همسر در بعد هیجانی ۲۲درصد از تعارضات زناشویی و در بعد رفتاری ۱۲درصد از صمیمیت زوجین را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۴).

در مجموع، نتایج پژوهش‌های بررسی شده حکایت از نقش خانواده‌های زوجین در ثبات، سازگاری و رضایت زناشویی زوجین داشت. بر این اساس مشخص گردید نحوه همسرگزینی در قبل از ازدواج و آسیب‌های تعاملی در بعد از ازدواج بین زوجین و خانواده‌ها می‌تواند رابطه زناشویی همسران را از سوی خانواده‌ها، تحت تأثیر قرار دهد. از طرفی تجارب اولیه هر یک از زوجین از خانواده اصلی، می‌تواند به صورت غیر مستقیم با شکل‌گیری سبک دلبستگی و تمایزیافتگی زوجین، رابطه زناشویی آن‌ها را متأثر سازد. بدین منظور لازم است افراد در قبل از ازدواج در مورد نحوه انتخاب همسر و در بعد از ازدواج در مورد دخالت‌های خانواده‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند تا در آینده شاهد افزایش کیفیت زندگی زوجین و رابطه زناشویی آن‌ها بود. همچنین پیشنهاد می‌گردد با توجه به نقش تجارب خانواده اصلی نیز زوجین توجه لازم داشته باشند تا با داشتن دلبستگی ایمن و تمایزیافتگی از خانواده، سازگاری و رضایتمندی همسران هم افزایش یابد.

منابع

احمدی، ل؛ پناغی، ل؛ صادقی، م. ا. (۱۳۹۷). رابطه خودمختاری و صمیمیت خانواده مبدأ با سازگاری زناشویی: نقش عوامل شخصیتی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۴(۵۳)، ۵۶-۳۹.

ارزانی، ح. (۱۳۹۲). مسئولیت اخلاقی فرزندان دربرابر والدین در قرآن و عهدین. *فصلنامه اخلاق*، ۹(۳۴)، ۱۳۲-۱۲۱.

افقری، ف؛ بهرامی، ف؛ فاتحی زاده، م. (۱۳۹۳). بررسی آسیب‌های موجود در تعامل والدین با فرزندان متأهل خود. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۵(۱۸)، ۶۲-۳۵.

بلیاد، م. ر.؛ ناهیدپور، ف.؛ آزادی، ش.؛ یادگاری، ه. (۱۳۹۳). نقش خانواده اصلی در تمایز خود و تعارضات زناشویی. *نشریه روان پرستاری*، ۲(۲)، ۹۱-۸۱.

پناغی، ل؛ زاده محمدی، ع؛ باقریان، ف؛ پاکدامن، ش؛ احمدآبادی، ز؛ محمدی، س. (۱۳۹۵). جستجوی الگوهای سلامت خانواده ایرانی: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۲(۴۶)، ۱۹۶-۱۷۹.

پوراسمعیلی، ا؛ حشمتی، ر؛ پرنیان خوی، م. (۱۳۹۸). نقش عملکرد خانواده‌ی اصلی و روان رنجورخویی در باورهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق. *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۰(۴۰)، ۱۷۴-۱۵۵.

جابری، س؛ اعتمادی، ع؛ جزایری، ر؛ احمدی، ا. (۱۳۹۳). تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی زنان شهر اصفهان. *مطالعات زن و خانواده*، ۲(۱)، ۵۲-۲۵.

جنادله، ع؛ رهنما، م. (۱۳۹۳). دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های ملی). *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۰(۳۹)، ۲۷۷-۲۹۶.

جواهری محمدی، م.؛ کلانتر کوشه، س. م؛ فرحبخش، ک. (۱۳۹۴). مقایسه رضایت زناشویی در زوجین با همسرگزینی سنتی و غیر سنتی شهر تهران. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۵(۲)، ۱۴۱-۱۲۱.

چراغی، م؛ ابراهیمی، م (۱۳۹۷). تحلیل روانشناختی رابطه والد-فرزندی در ضرب المثل های ایرانی:یک پژوهش کیفی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۴(۵۵)، ۴۱۰-۳۸۳.

چراغی، م؛ مظاهری، م. ع؛ موتابی، ف؛ پناغی، ل؛ صادقی، م. (۱۳۹۴). مقایسه ارتباط با خانوادهٔ همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۱(۴۱)، ۳۲-۷ب.

چراغی، م؛ مظاهری، م. ع؛ موتابی، ف؛ پناغی، ل؛ صادقی، م؛ سلمانی، خ. (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۳۱(۳۱)، ۱۲۶-۹۹الف.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6]

حاجی پهلوان، گ؛ کریمی نیا، م. م؛ انصاری مقدم، م. (۱۴۰۰). افزایش و کاهش طلاق با توجه به نقش خانواده همسر در زندگی خصوصی. پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، *علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۴(۲۶)، ۹۲-۷۷.

رجبی، غ.، کاوه، ف. ذ.؛ امان الهی، ع.؛ خجسته مهر، ر. (۱۳۹۷). شناسایی مؤلفه‌های کیفیت زناشویی زوج‌ها: یک پژوهش کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۷(۲)، ۲۱۳-۱۹۸.

رسایی، س؛ عروتی موفق، ل. (۱۴۰۰). پیش‌بینی رضایت زناشویی و تاب‌آوری براساس سبک دلبستگی در دانشجویان متأهل. *فصلنامه روانشناسی تحلیلی-شناختی*، ۱۲(۴۴)، ۸۱-۷۱.

رشیدی، ع.؛ شریفی، ک.؛ نقشینه، ط. (۱۳۹۵). رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و تمایزیافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق درکرمانشاه. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده*. ۲(۱)۷۸-۶۶.

شادمانی، ف. (۱۳۹۹). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس رضایت زناشویی والدین و سلامت خانواده پدری. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱۷(۱)، ۱۶۳-۱۴۵.

صاحبدل، ح؛ زهراکار، ک؛ دلاور، ع. (۱۳۹۴). شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق: یک مطالعه کیفی. *پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره*، ۵(۲)، ۴۶-۳۲.

طاهری بخش، ن. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سلامت خانواده اصلی با سازگاری زناشویی در زوجین شهر تهران. *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۱(۲)، ۱۲-۱.

عابدینی، ص. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مقدار دخالت اطرافیان و طرفداری از خانواده پدری بر مقدار دلسردی از زندگی با همسر: مورد مطالعه زوجین شهر تبریز. *فصلنامه زن و جامعه*، ۷(ویژه نامه)، ۸۳-۶۹.

عارفی، م.؛ رحیمی، ر.؛ شیخ اسمعیلی، د. (۱۳۹۴). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوجهای جوان فرهنگی بر مبنای میزان تمایزیافتگی از خانواده اصلی و رضایت زناشویی والدین. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۳۱، ۱۰۶-۸۸.

فرحبخش، ک. (۱۳۹۰). همبستگی بین ویژگی‌های ادراک شده خانواده اصلی و فعلی و رابطه آن با تعارض زناشویی. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۲(۶)، ۳۵-۶۰.

فلاح‌زاده ابرقویی، م؛ تقی‌نژاد، ن. (۱۳۹۶). رابطه بین سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی. *سومین همایش تازه‌های روانشناسی مثبت‌نگر، بندرعباس*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس.

قاسمی، س. (۱۳۹۱). *تدوین و استانداردسازی بستهٔ آموزشی بومی مهارت های ارتباط با خانواده همسر برمبنای آسیب شناسی تعاملی در خانواده‌های شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.

قاسمی، س.؛ اعتمادی، ع.؛ احمدی، س. ا. (۱۳۹۵). شناسایی آسیب‌های تعاملی زوجین و خانواده همسر و پیامدهای آن: پژوهش کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۵(۳)، ۲۶۲-۲۵۰.

قاسمی، س؛ اعتمادی، ع؛ احمدی، س. ا. (۱۳۹۴). رابطه تعاملات منفی بین زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی در زنان. *فصلنامه آسیب شناسی،مشاوره*، ۱(۱)، ۱۳-۱.

قاسمی، ع؛ ساروخانی، ب. (۱۳۹۲). عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی (شهرستان کرمانشاه). *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۰(۳۹)، ۸۷-۶۹.

گلدنبرگ، ا؛ گلدنبرگ، ه (۲۰۰۸). *خانواده درمانی*، ترجمه حمیدرضا حسین شاهی بروانی و سیامک نقشبندی، تهران، نشر روان.

محسن‌زاده، ف.؛ محمد نظری، ع.؛ عارفی، م. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴(۵۳)، ۴۲-۷.

مظاهری، م. ع؛ صادقی، م؛ نصرآبادی، ا؛ انصاری نژاد، ف. (۱۳۸۸). رابطه سبک های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج. *راهبرد فرهنگ*، شماره۵: ۷۲-۵۵.

ملک عسگر، س.؛ مظاهری، م. ع.؛ صادقی، م. ا. (۱۳۹۶). رابطه میان سطوح متفاوت روابط پیش از ازدواج و نگرش والدین به آن با میزان سازگاری زناشویی زوجین. *راهبرد فرهنگ*، ۳۸، ۱۲۵-۱۰۱.

ناهیدپور، ف.؛ خسروی، ز.؛ خاقانی فرد، م. (۱۳۹۳). الگوی ساختاری ارتباط مشکلات عاطفی- روانی- رفتاری در خانواده اصلی با رضایت زناشویی زنان. *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۲(۳)، ۵۹-۴۱.

نیکولز، مایکل پ. شوارتز، ریچارد س (۲۰۱۷). *خانواده درمانی مفاهیم و روش‌ها*، ترجمه محسن دهقانی و همکاران، تهران، انتشارات دانژه.

هراتیان، ع. ع.؛ جان بزرگی، م.؛ سالاری فر، م. ر.؛ رسول زاده طباطبائی، س. ک. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل ثبات زناشویی در جامعه ایرانی- اسلامی: با رویکرد فراترکیب. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۸(۲۰)، ۹۴-۷۵.

یزدانی، ع. ع؛ دوستی، س. (۱۳۹۴). اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۲(۶)، ۷۵-۱۰۰.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6]

یوسفی افراشته، م؛ حیاتی، م. (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه‌های خوشبختی زوجی در خانواده‌های ایرانی: رویکرد نظریه زمینه‌ای. *رویش روانشناسی*، ۱۰(۵)، ۸۷-۹۶.

Alder, M. C., Yorgason, J. G., & Davis, S. (2018). Percepetions of parents marriage predicting marital satisfaction: The moderating role of attachment behaviors. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 17(2), 146-164.

Berry, K., Roberts, N., Danquah, A, & Davies, L. (2014). An exploratory study of association between adult attachment, health service utilisation and health sevice costs. *Psychosis*, 6(4), 355-358.

Bharambe, K. D. & Baviskar, P. A. (2013). A study of marital adjustment in relation to some psycho-socio factor. *International Journal of Humanities and Social Science nvention*, 2, 8-10.

Blacher, J., Begum, G. F., Marcoulides, G. A., & Baker, B. L. (2013). Longitudinal perspectives of child positive impact on families: Relationship to disability and culture. *American Journal on Intellectual and developmental disabilities*, 118(2), 141-155.

Cheraghi, M. Mazaheri, M.A. Motabi, F. Panaghi, L. Sadeghi, M. (2019). Beyond the couple: A qualitative analysis of successful in-law relationship in Iran, *Family process*, 58 (4), 936-953.

Dolan, F. E. (2011). Re-reading Rape in The Changeling. *Journal for Early Modern Cultural Studies*, 11(1), 4-29.

Ein-Dor, T., Mikulincer, M., Doron, G., & Shaver, P. R. (2010). The attachment paradox: How can so many of us (the insecure ones) have no adaptive advantages? *Perspective on Psychological Science*, 5(2), 123-141.

Gottman, J. M. (2014). *What pradicts divorce?:* The relationship between marital processes and marital outcomes. New York: Psychology Press.

Haws, W. A., Mallinckrodt, B. (1998). Separation individuation from family of origin and marital adjustment of recently married couples. *Am J Fam Ther*. 26(4), 293-306.

Johnson, M., D., Nguyen, L., Anderson, J., R., Liu,. W., & Vennum., A. (2015). Pathway to romantic relationship success among Chinese young adult couples Contributions of family dysfunction, mental health problem, and negative couple interaction, *Journal of Social and personal Relationships*, 32(1), 5-23.

Kalil, A., Ryan, R., & Chor, E. (2014). Time investment in children across family structures. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 654(1), 150-168.

Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020). Research on Marital Satisfaction and Stability in the 2010s: Challenging Conventional Wisdon. *Journal of Marriage and Family*, 82(1), 100-116.

Marcén, M., & Morales, M. (2019). *Live together: does culture matter? Review of Economics of the Household*, 17(2), 671–713.

Maskarin., A, S., Conger, R. D., Martin, M., J., Donnellan, M. B., Masyn, K. E., & Lorenz, F. O. (2013). Romantic relationship in early adulthood: Influences of family, personality, and relationship cognitions. *Personal Relationships*, 20(2), 356-373.

Mondol, J. (2014). *Marital Adjustment: Extension of psychophysical well-being. India: LAP Lambert Academic Publishing*.

Muraru, A., A., & Turliuc, M,. M. (2012). Family-of-origin, romantic attachment, and marital adjustment: a path analysis model. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, vol. 33. PP.90-94.

Park, T.-Y., & Park, Y. (2019). Living with an In-Law and Marital Conflicts: A Family Therapy Case Study. *Journal of Asia Pacific Counseling*, 9(2), 73–89.

Solomon., B., C., & Jackson., J. J. (2014). Why do personality traits predict divorce? Multiple pathways through satisfaction. *Journal of personality and Social Psychology*, 106(6), 978-996.

Weiss, J.M. (2014). *Marital Preparation, Experiences, and Personal Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriage*, Master thesis, Psychology Department, Utah State University.

Whisman, M. A. & Baucom, D. H. (2012). *Intimate relationship and psychopathology*. Clinical Child and family Psychology Review, 15(4), 13-20.

Whisman, M. A., Gilmour, A. L., & Salinger, J. M. (2018). Marital satisfaction and mortality in the United States adult population. *Health psychology*, 37(11), 10-41.

Yuan, X. (2019). Family-of-origin Triangulation and Marital Quality of Chinese Couples: The Mediating Role of In-law Relationships. *Journal of Comparative Family Studies*, 50(1), 98-111.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6]